

پیشگفتار

در طول این چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب‌های متعددی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور در زمینه انقلاب اسلامی به رشته تحریر درآمده است؛ نگارنده نیز مطالب فراوانی چه به صورت کتاب و چه در قالب مقاله از این انقلاب عظیم و تاریخ‌ساز و در ابعاد مختلف آن تألیف کرده و به چاپ رسانده است. در عین حال با تدریس این موضوع در دانشگاه و حوزه‌های علمیه در دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، تجربیات ارزشمندی به دست آورده است و سعی دارد از تکرار مطالب خودداری و از وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی احتراز کند و بیشتر بر اساس روش‌های جدید مطالعات سیاسی-اجتماعی نظریه‌پردازی نماید و انقلاب اسلامی را به تنهایی و یا در مقایسه با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان در یک چهارچوب مقبول و متناسب تحلیل کند. در این روش از زیاده‌نویسی خودداری و از خلط‌مباحث هم جلوگیری می‌گردد. برای مثال اغلب افراد میان انقلاب اسلامی که یک جنبش است با جمهوری اسلامی که یک ساختار و نظام برخاسته از آن است، تفاوتی قائل نیستند. در حالی که این دو چه از نظر ماهیت و محتوا و چه از نظر شکل، تفاوت آشکاری با هم دارند. نظام جمهوری اسلامی ساختاری است که در واقع مولود انقلاب است، نه همه انقلاب.

با توجه به تحولات عمیقی که اخیراً در رشته علوم سیاسی در راستای اهداف و رسالت تحول و ارتقای علوم انسانی شکل گرفت، سرفصل‌های جدیدی از جمله برای درس انقلاب اسلامی به تصویب رسیده است و از اینجانب هم خواسته شد تا نسبت به تألیف و تدوین کتاب *انقلاب اسلامی* در قالب منبع اصلی برای دوره

کارشناسی علوم سیاسی و در چهارچوب سرفصل‌های مصوب این درس اقدام نمایم. این کتاب با سیاست و روش جدید به رشتهٔ تحریر درآمده است. با توجه به اینکه تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی در دروس دیگر ارائه خواهد شد، در این درس فقط به مسائل نظری انقلاب اسلامی، علل و عوامل، زمینه‌های بروز انقلاب اسلامی، پیامدها و در نهایت جایگاه آن در میان انقلاب‌های بزرگ جهان پرداخته می‌شود و به دستاوردهای کلان انقلاب اسلامی نیز به اجمال خواهیم پرداخت تا دانشجویان تحلیل مناسبی از انقلاب اسلامی دریافت نمایند. بدیهی است در هر قسمت از این کتاب و برای مطالعهٔ بیشتر علاقه‌مندان، کتاب‌های دیگری که مرتبط با مطالب هر فصل است، معرفی می‌شود. این کتاب نه تنها برای درس انقلاب اسلامی در رشتهٔ علوم سیاسی بلکه برای درس انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن نیز مناسب و مفید است؛ بنابراین به طور کلی مطالعهٔ آن برای عموم افراد توصیه می‌گردد.

دکتر منوچهر محمدی

تابستان ۱۳۹۶

مقدمه

انقلاب سیاسی-اجتماعی در حقیقت قوی‌ترین و در عین حال پردوام‌ترین رویداد زمان ماست و پیش از آنکه بیانگر یک سلسله حوادث و اتفاقات مهم تاریخی باشد، بیانگر یک سبب، یک آرمان و آرزو، یک بیان از ارزش‌ها و ایدئال‌های ترجیح داده‌شده، و یک ترکیب مبهمی از تصورات و احساسات مطلوب در جهت به کار گرفتن مقاصد خاص و گوناگون است. انقلاب حتی به صورت یک مد و یک مخدر، در جوامع امروز مطرح می‌شود. در انقلاب فرانسه که برای اولین بار کلمات و ایده‌های جدیدی به مردم آن زمان ارائه شد، انقلاب چیزی شبیه یک جادو، یک باور، یک عقیده و وفاداری بود. انقلاب افکار بسیاری از افراد را همچون یک مذهب دربر گرفت و به صورت پیکر غول‌آسایی در قالب یک تهدید یا تعهد، ظهور بشر جدیدی را با آمال و آرزوها و اهداف تازه‌ای نوید می‌داد. این جو و شور انقلابی در طول قرن نوزدهم، به دنبال انقلاب فرانسه حفظ شد و در سراسر دنیا گسترش یافت. این اندیشه‌ها در افکار مارکس در قالب ایده برتر آن‌چنان نفوذ یافت که در نوشته‌هایش، نه تنها تفسیر دنیا را - آن‌طور که هست - هدف قرار داد، بلکه تغییر انقلابی آن را - آن‌طور که باید باشد و خواهد شد - نیز مدنظر داشت. علاوه بر آن و تحت تأثیر این حالات و روحیات، نهضت‌ها و حرکت‌های فراوانی در سراسر جهان آغاز شد و گروهی از مردان و زنان را طوری تهییج کرد که به صورت حرفه‌ای خود را با افتخار انقلابی می‌دانستند و خودشان را وقف انقلاب کرده بودند.

انقلاب در عین حال که افسانه و رؤیای ناسیونالیست‌های بورژوا و نهضت‌های ضداستبدادی بود، آرمان جوامع سرّی تروریستی، گروه‌های کمونیستی، احزاب سوسیال دمکرات و نهضت‌های آنارشیستی هم تلقی می‌گردید.

پیروزی انقلاب روسیه در ۱۹۱۷، قدرت یا انرژی و امید جدیدی به کالبد انقلاب داد و آن را نیرویی جهان‌گیر کرد که این بار شعله‌های آن از سن پترزبورگ دیده می‌شد. انقلاب‌های اجتماعی اگرچه از نوادر تاریخ است و تنها به دو قرن اخیر تعلق دارد، ولی در عین حال حوادث سرنوشت‌سازی را در تاریخ رقم زده و آثار شگرفی در تحولات سیاسی-اجتماعی بشر بر جای گذاشته است.

از پیروزی انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ تاکنون که دو قرن از آن می‌گذرد، انقلاب‌های بزرگ موجب تغییرات بنیادین در دولت‌ها، سازمان‌ها، ساختارهای طبقاتی-اجتماعی، روابط بین‌الملل و ایدئولوژی‌های مسلط شده است. این انقلاب‌ها در ایجاد تولد و زندگی تازه برای ملت‌ها نقش دارد به طوری که پس از انقلاب قدرت و استقلال ملت‌ها نه تنها با زمان پیش از انقلاب قابل قیاس نیست بلکه از سایر کشورها که در شرایط مشابه آن‌ها هستند نیز برتری دارد. فرانسه انقلابی ناگهان به یک قدرت غالب و فاتح در اروپای قاره‌ای تبدیل شد و انقلاب روسیه، آن را به یک ابرقدرت نظامی-اقتصادی تبدیل کرد.

بعد از جنگ جهانی دوم، گسترش روند انقلابی که برای مدتی طولانی در جریان بود، سبب شد کشورهای ضعیف و ناتوان و درهم ریخته به کشورهای قوی و وحدت‌یافته تبدیل گردد و انقلاب‌های اجتماعی جدید در کشورهای استعمارزده و گرفتار استعمار نو همچون کوبا، ویتنام، و نیکاراگوئه موجب شد که زنجیرهای وابستگی فوق‌العاده محکم این کشورها به دولت‌های استعماری پاره شود. انقلاب اسلامی نیز در همین مدت کوتاه که از ظهور آن می‌گذرد آن‌چنان شگفتی‌هایی آفریده که به قول دیلیپ هیرو در طول شصت سال گذشته هیچ‌یک از ممالک دنیا چنین شگفتی‌ها و تحولاتی را ندیده است.^۱

انقلاب اسلامی همان‌طور که خواهیم دید نه تنها سبب تغییر تاریخ ایران و خاتمه یافتن سلطنت چند هزار ساله شاهنشاهی گردید بلکه به واسطه آن تاریخ اسلام متحول شد و علاوه بر آن نظام سلطه سیصد ساله به پایان رسید و نویدبخش بازگشت دوران طلایی تمدن هزار ساله اسلامی گشت.

1. Hiro, 1985: 1.

اهمیت انقلاب‌ها در این است که سبب می‌شود انرژی‌های عظیمی که در جوامع و ملت‌ها ذخیره شده است، آزاد گردد و معمولاً آن‌ها نه تنها در روند تاریخ کشور خودشان بلکه بر جوامع بشری اطراف خود، بسیار مؤثر خواهند بود و حتی سبب ایجاد موفقیت‌هایی در زمینه‌های مختلف برای کشورهای منطقه می‌شود که باورنکردنی و غیرقابل پیش‌بینی است و به عبارتی موجب می‌شود غیرممکن‌ها ممکن گردد.

انقلاب در بعضی موارد سبب ظهور آثار عظیم بین‌المللی در رابطه با مدل‌ها، ایدئال‌ها و توسل‌ها می‌گردد، به خصوص اگر جامعه انقلابی سرزمینی بزرگ باشد، عظمت و عمق این آثار بیشتر می‌شود.

ارتش وطن‌پرست فرانسه انقلابی، قسمت عمده اروپا را در کنترل خود درآورد؛ حتی قبل از درگیری و مدت‌ها قبل از شکست نظامی، ایدئال‌های فرانسه انقلابی، از جمله آزادی، برابری، و اخوت موجب باروری رؤیاهای و افکاری شد که در ذهن افراد خواهان آزادی‌های ملی و اجتماعی بود. آثار آن، از ژنو تا سانتودومینگو، از ایرلند تا آمریکای لاتین و هند احساس می‌شد و بر روی نظریات تئورسیس‌های انقلابی بعدی، از باب‌اوف تا مارکس و لنین و تا ضداستعماریان قرن بیستم نفوذ یافت.

انقلاب روسیه سبب شگفتی غرب سرمایه‌داری گشت و موجب شد که آرزوهای ملت در حال پیدایش، از طریق نشان دادن این امر که قدرت یک دولت انقلابی در طول دو نسل سبب تبدیل یک کشور کشاورزی عقب‌افتاده به دومین قدرت صنعتی-نظامی جهان می‌شود، تحقق یابد.

همان‌گونه که انقلاب روسیه در نیمه اول قرن بیستم مطرح بود، انقلاب چین در نیمه دوم این قرن روی داد. با نشان دادن این امر که یک حزب لنینستی می‌تواند یک جامعه با اکثریت روستایی را، در تلاش‌های نظامی-اقتصادی آن، هدایت کند، به طوری که موجب به وجود آمدن یک قدرت بزرگ شود که خود علیه شهر، ایدئال‌های تازه‌ای ارائه دهد و سبب تجدید حیات امیدهای وطن‌پرستان انقلابی در اواسط قرن بیستم گردد. انقلاب اسلامی موجب آفرینش عظمت و شگفتی‌هایی گردید که همه تئوری‌های علمی، روابط بین‌المللی و تقسیم‌بندی‌های جهان در همین

مدت کوتاه درهم ریخت و همه پیش‌بینی‌های تحلیلگران وارونه گشت.^۱ علاوه بر این، انقلاب‌های بزرگ نه فقط بر کسانی که در سایر جوامع مایل به تقلید از آنها هستند، تأثیر دارد بلکه بر آن‌هایی که مجبورند به خطرات و تهدیدات ناشی از آن بیندیشند و پاسخ دهند نیز مؤثر است. خطرانی که به طور عمده در اثر ایجاد روحیه و قدرت ملی به دنبال ایجاد انقلاب‌ها پدیدار می‌گردد و مردم را به حرکت وامی‌دارد. هرماسی می‌گوید «خصوصیت تاریخی-جهانی انقلاب‌ها در این است که آن‌چنان تأثیر آشکاری بر جای می‌گذارد که ورای مرزهای کشور و سرزمین اصلی آن‌هاست و این تأثیر چنان استعداد پرتوانی را شکوفا می‌کند که موجبات بروز امواجی از انقلاب و ضدانقلاب، هم در داخل و هم در سایر جوامع خواهد شد».^۲ به این ترتیب باید به انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی توجه خاص داشت و این توجه نه فقط به خاطر اهمیت فوق‌العاده آن‌ها برای تاریخ ملت‌ها و جهان است بلکه به دلیل توانایی و تمایز آن‌ها نسبت به سایر تغییرات و تحولات اجتماعی بشری است.

از جمله مواردی که در انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی منحصر به فرد است، تغییرات بنیادین در ساختارهای اجتماعی و سیاسی است که در یک زمان و در یک رابطه تقویت یافته متقابل تحقق می‌یابد و این تغییرات از طریق منازعات سیاسی-اجتماعی شدیدی محقق می‌شود که در آن منازعه قدرت‌های سیاسی حاکم با قدرت‌های اجتماعی نقش کلیدی دارد.

منطق انقلاب‌های معاصر موجب گردید که انقلاب یک مائده آسمانی نازل شده تلقی گردد تا ملت‌های ستم‌کشیده و یا همه افراد مظلوم به واسطه آن از قید اسارت و ظلم و بیداد آزاد شوند.

وقتی که انقلاب فرانسه به ثمر رسید، عصر جدیدی از آزادی آغاز شد. آزادی از فشار دولت‌های مستبد، آزادی از استثمار و امتیازات طبقاتی، آزادی از قید اختناق و فشار کلیسا و آزادی برای بیان افکار و خواسته‌های افراد جامعه که بر پایه شعار انقلاب

۱. در بررسی تأثیرات انقلاب اسلامی و شگفتی‌هایی که به واسطه آن خلق شده است؛ ر.ک.:

محمدی، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۸.

2. Hermassi, 1976: 19.

فرانسه «آزادی، برابری و اخوت» قرار گرفت و وقتی که انقلاب روسیه به ثمر رسید، پیامد بیشتری داشت و آن «برقراری عدالت اجتماعی و از بین بردن شکاف‌های طبقاتی» با حذف امتیازهای اقتصادی و ریشه کن کردن استثمار طبقاتی بود.

انقلاب اسلامی که در ایران به ثمر رسید، برخلاف انقلاب‌های فرانسه و روسیه که بر پایه دوری و جدایی از دین بود، این بار با تکیه بر آرمان‌ها و عقاید مذهبی افراد جامعه شکل گرفته بود؛ این انقلاب نه تنها دنیای جدیدی از حاکمیت مستضعفان بر مستکبران را نوید می‌داد بلکه بالاتر از آن به پیروان خود و معتقدان اسلام که مکتب انقلاب است، سعادت اخروی را وعده می‌دهد و به همین دلیل جایگاه خاصی در میان انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی دنیا و سیر تکوینی آن‌ها یافته و صفحه جدید و ابعاد تازه‌ای در تاریخ بشر گشوده است؛ به طوری که این انقلاب به سرعت در میان جوامع و ملل تحت ستم جهان و در حال توسعه امید و راه تازه‌ای برای رهایی از قید استثمار قدرت‌های بزرگ دنیا ایجاد کرد.

ملت ایران از میان کشورهای تحت ستم و استثمارشده دنیا، اولین کشوری بود که سر بلند کرد و نه تنها خود را از قید قدرت مستبد حاکم رها کرد، بلکه جامعه خود را از یوغ استعمار و نفوذ قدرت‌های بیگانه نجات داد و به این ترتیب نه تنها نور امیدی به قلب میلیون‌ها مسلمان و غیرمسلمان تحت ستم تابیده شد، حتی سبب شد وضع و روابط موجود در منطقه و جهان به کلی دگرگون گردد.

طبیعی است که با توجه به اهمیت انقلاب‌ها و آثار شگرفشان در تاریخ یک ملت و تأثیر آن در جوامع اطراف، مطالعه آن‌ها نه فقط به صورت مجرد بلکه بر اساس مطالعات تطبیقی، جایگاه ویژه و خاصی در علوم اجتماعی و به ویژه علوم سیاسی دارد.

در فصل اول این کتاب به کلیات خواهیم پرداخت که شامل تعریف مفاهیم و طرح چهارچوب نظری متناسب با انقلاب‌های سیاسی-اجتماعی خواهد بود. در فصول بعدی با استفاده از این چهارچوب نظری، تحولاتی که به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، بررسی می‌گردد؛ از این رو در فصل دوم شرایط و اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی قبل از پیروزی انقلاب اسلامی (رژیم پیشین) بحث و بررسی

خواهد شد. سپس علل و عوامل شکل‌گیری قدرت اجتماعی معارض با قدرت سیاسی (رژیم سابق) تحلیل می‌شود و در نهایت چگونگی غلبه بر رژیم پیشین و پیروزی انقلاب در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ موضوع فصل سوم این کتاب است. در فصل چهارم به عوامل شتاب‌زا در پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازیم. در فصل پنجم رسالت انقلاب را بعد از پیروزی در سه بخش، (۱) چگونگی مدیریت نظام باقی‌مانده از رژیم سابق؛ (۲) طرح و تشکیل نظام کمال مطلوب (جمهوری اسلامی) و (۳) برخورد با مشکلات و بحران‌های فراروی انقلاب که رفع آن‌ها انرژی فوق‌العاده‌ای از نیروهای انقلابی گرفت، بحث و بررسی می‌شود. در فصل ششم جایگاه انقلاب اسلامی در میان انقلاب‌های بزرگ جهان به اجمال و به صورت تطبیقی بیان شده است؛ در فصل هفتم دستاوردها و پیامدهای انقلاب اسلامی در سطح کلان، پایان‌بخش مباحث این کتاب است؛ در نتیجه در فصل هشتم به آفات، آسیب‌ها و مشکلات فراروی انقلاب اشاره خواهیم کرد.

با توجه به محدودیت‌هایی که مؤلف به دلیل حجم مطالب با آن‌ها مواجه است، لازم است مطالب کتاب اجمالی و بر اساس طرح کلیات مطرح گردد؛ در عین حال به تناسب موضوع و مبحث، در هر بخش منابعی را جهت مطالعه بیشتر به خوانندگان عزیز معرفی کرده‌ایم.